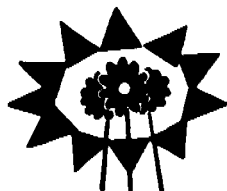




درک و تصویری که فرد از خود دارد و مجموعه ارزش ها ، نگرش ها ، و عقاید وی را در رابطه با محیط تشکیل میدهد، حس خود پنداری می نامند . رفتار فرد تا حد بسیار زیادی ناشی از ادراک است و ادراک خود نیز بر مفروضات انسان درباره محیط و محرکهای خارجی مبتنی می باشد . فرد مفروضات خود را همواره صحیح و منطبق با واقع می پندارد و چنانچه با موقعیت و محرکی روبرو شود که با رفتار و ارزش های او مغایر باشد از خود مقاومت شدید نشان می دهد و در صورت سازگار بودن آنها را می پذیرد . قالب ادراکی فرد بتدریج و با گذشت زمان شکل می گیرد و بنابراین از شباهت نسبی برخوردار است و بعنوان وسیله ای برای مشاهده و درک دنیای خارج مورد استفاده قرار می گیرد . آنچه در نظر هر کس واقعی است درک فردی اواز واقعیت می باشد و این امر خود به تجربه های ادراکی شخص بستگی دارد .

حس خود پنداری و نقش آن در تعلیم و تربیت کودکان



نیز شامل می شود. ادراکی که او در بسیاری از موقعیت هادر رابطه با مردم، ایده ها و ارزشها از خود دارد و قسمتی از ویژگیهای وی را تشکیل می دهد ناشی از حس خود پنداری وی می باشد. بسیاری از کیفیات خود توصیفی و ویژگیهای خودپنداری را می توان تعمیم داد اما میان پاره ای دیگر با توجه به نقشها یا موقعیت های خاص می توان تمایز قائل شد. نه تنها فرد از خود تصویر و درک خاصی دارد بلکه تصویری نیز از فردی که می خواهد همانند آن بشود نیز در ذهن دارد.

هاوک پاره ای از عناصر شاکله خود پنداری که ممکن است رفتار راتحت تأثیر قرار دهد یا ممکن است بعنوان عامل باز دارنده یا پیش برنده روی یادگیری اثر کند و آنرا حفظ یا تقویت بنماید مورد بحث قرار داده است. برای اینکه بتوان به علل رفتار فرد خاصی پی برد لازمست که به چگونگی تصویری که او از خودش دارد آگاه شد. فرد نمی تواند رفتاری غیر از آنچه که فکر می کند از خود بروز دهد. رفتار فرد تا حد بسیار زیادی متأثر از ادراک است و ادراک نیز بر مفروضات انسان در بساره محیط و محرکهای محیطی استوار می باشد. راجرز معتقد است که رفتار فرد ناشی از ادراک اونسبت به خودش می باشد. تجربه هایی که متناقض با درک فرد از خود می باشد مردود شده و آنهایی که با آن سازگار بوده پذیرفته می شود.

در محیط هایی که افراد احساس حقارت می کنند یا مورد قبول اطرافیان خود واقع نمی شوند، تحت فشارهای شدید روانی قرار

اولیاء مدرسه معمولاً "براین باورند که هر کودک از حس خود پنداری مخصوص برخوردار است و این امر روی پیشرفت تحصیلی و عملکرد او اثرات مختلفی دارد، اما امروزه عقیده کلی آنستکه چنانچه به کودکان کمک شود تا به حس خود پنداری بهتری نائل شوند می توانند بر بسیاری از مشکلات خود فایز آیند.

حس خود پنداری درسایه همانندی و تقلید از رفتار والدین و توفیق درکارهای محوله و روزمره تکوین می یابد و در برگیرنده قوای عاطفی، شناختی و نتیجتاً " قالب ادراکی فرد از خود می باشد. کودک در آغاز زندگی تصویری از خود ندارد اما با افزایش سن، هوش، میزان تحصیلات و غیره، ابتدا یک تصویر قالبی از خود پیدا می کند و باگذشت زمان این تصویر قالبی را کنار می گذارد و به تصویر واقع بینانه تری دست می یابد. در این مرحله است که فرد از ویژگیهای خاص خود آگاه است و خود را بدان - سان که هست می پذیرد و همین توانائی تکوین خود پنداری می باشد. بطور کلی می توان گفت که حس خود پنداری کلیه جنبه های عاطفی اجتماعی، روانی، اخلاقی، جسمی فرد را تحت الشعاع قرار می دهد و بعنوان وسیله ای نسبتاً ثابت برای مشاهده و درک دنیای خارج مورد استفاده قرار می گیرد.

حس خود پنداری کودک نه تنها درک منحصر فردی است که او از خود دارد بلکه آئینه تمام نمائی است که وی خود را در بسیاری از موقعیتهای زندگی در آن می بیند. حس مذکور نه تنها حرکات و سکنات بدنی را در بر می گیرد بلکه تطبیق، همانندی، هماهنگی و توازن و تعادل او را با مردم، فرهنگها، ایده ها و ارزشها





بررسی قرار داده و معتقد است که کودک با دیدها و تجربیات مختلفی که منعکس کننده ادواکات ، ایده‌ها ، احساسات و کیفیتی کسه دیگران او را مورد ارزیابی قرار می دهند پایه مدرسه می گذارد. از اینرو انتظاراتی که شخص معلم در کلاس درس از کودک دارد ممکن است عاملی بازدارنده یا فزاینده یادگیری وی باشد . ضوابط و معیارهای یکنواختی که معلم و مدرسه برای همه بچه ها اعمال می کند ممکن است در پاره ای از آنها ایجاد حس خودپنداری منقی نموده و در پاره‌های دیگر زمینه رشد را فراهم سازد . معلم ممکن است بانقش آگاهانه یا ناآگاهانه خود ضوابطی که به منظور سنجش پیشرفت تحصیلی و کار موفقیت آمیز تعیین می کند بطور غیر مستقیم زوی حس خود پنداری بچه ها اثر گذارد . از طریق گفتار و کردار معلم است که جو عاطفی کلاس بوجود می آید ، از طریق انتخاب محرکها یا نحوه گروه بندیهاست که معلم کلاس

می گیرند . باید توجه داشت که حس خود پنداری دانش آموز روی کل پیشرفت تحصیلی او تاءثیر می گذارد ، برای معلمان شایان اهمیت است که نقش خود ، مردم و نفوذ آنها را در موفقیت دانش آموز درک نمایند . واضح است که فرد اعمال و رفتار مردمی را واقعا " می پذیرد که با او در حال تاثیر و تاءثر بوده و بطور اعم در پیرامون زندگی او باشند . (مثلا " خانه ، مدرسه و غیره) ، شایبند مهمترین عاملی که روی رفتار فرد تاءثیر می گذارد مردم ، خاصه آنهایی که در نظر او قابل اهمیت هستند می باشد . از لحاظ اجتماعی مفهومی که فرد از خود دارد نتیجه برخورد او با دیگران است و در اثر این برخوردهای متقابل است که وی ایده مستقلی برای خود تشکیل می - دهد .

ریچارد سن اهمیتت نفوذ معلم را بر حس خود پنداری دانش آموز مورد آزمایشرو

می گیرد . قسمت اعظم مشکلاتی که دانش آموزان طبقات مختلف اجتماع با آن روبرو می شوند ناشی از برداشت معلم در برخورد با آنها بوده است . دانش آموز اخلاق معلم را جذب می کند و آنرا منعکس می نماید . رفتار او را تقلید و عین کلمات او را باز گو می کند . خیلی ها هستند که معلم خود را الگو قرار داده و راه او را پیش گرفته اند .

حس خود پنداری مثبت کودکان در سازه تشویق کارهای موفقیت آمیز ، ارزش قائل شدن برای فعالیتهای تحسین برانگیز و فرصت خودآزمایی دادن به آنان ، افزایش پیدامی کند .
حس خود پنداری منفی با افکاری همچون احساس بی لیاقتی ، ناشایستگی ، نفرت و انزجار



لطفاً " ورق بزنید

را کنترل کرده و مآلاً " تقویت یا تضعیف حس خود پنداری کودک را موجب می شود . کودکان بطور آگاهانه یا ناآگاهانه معتقدند کسی بهتر از معلم قادر نیست که تشخیص دهد آیا آنان بسا هوش یا کم هوش ، با استعداد یا بی استعداد هستند از این روی دقتی در ارزشیابی های اولیه از کودک که غالباً " هم اشتباه می باشد ، می تواند اثر سوء و پایداری روی حس خود پنداری وی گذارد .
تصوری که کودکان از خود دارند با گذشت زمان بسهولت قابل تغییر و اصلاح نیست ، حتی اگر آنان به تجربیات جدیدی نیز دست یابند .
کونز معتقد است که از نظر کودکان ، معلمان افراد مهمی هستند که می توانند در حین آموزش خود با تشویق کارهای موفقیت آمیز بساعت تقویت حس خود پنداری آنان گردند . شخصیت معلم برای دانش آموز بسیار مهم می باشد و چگونگی پیشرفت تحصیلی و چگونگی نگرش وی نسبت به خود از عمل و شخصیت معلم نشأت





ممکن است ناشی از حس خود پنداری منفی شاگرد باشد به معلولها (مانند رفتار ایدائی امتناع از خواندن درس ، خوب نخواندن و برهم زدن درس و غیره) می پردازند . بطور خلاصه تحقیق نشان داده است که حس خود پنداری مهمترین نقش را در رشد و تربیت فرد بازی می کند . حس خود پنداری منفی در اوائل زندگی کودک بوجود می آید و احتمالاً در طول زندگی او باقی می ماند و هرگز تغییر نخواهد کرد . کودکانی که از اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی متفاوتی برخوردارند می توانند حس خود پنداری مثبت خود را بهبود بخشند بشرط آنکه افراد ذی صلاحی به آنان کمک نموده تا حس اعتماد بنفس خود را بیازمایند و نه اینکه بخاطر فقدان صلاحیت و ملاکهای گروهی طرد شده و مورد سرزنش قرار گیرند .

حس خود پنداری درسایه کنش و واکنش و رفتار متقابل فرد با محیط ، والدین ، همگان و بزرگسالان قابل اهمیت او ، رشد پیدا می کند . کودک بدون اینکه تصویری از خود داشته باشد پایه صحنه زندگی می گذارد درک او از خود درسایه کنش و واکنش اجتماعی تشکیل می یابد . با توجه به اینکه حس خود پنداری کودک رشد شخصی ، اجتماعی ، تحصیلی و فرهنگی وی را در داخل مدرسه تحت تأثیر قرار می دهد لذا مربیان تعلیم و تربیت باید با رویارو کردن کودک با تجربیات معنی داری نسبت به رشد و تکامل این حس اهتمام کافی مبذول دارند . مربیان ما باید نسبت به توسعه ادراک خود از نقش خود پنداری کودک ادامه داده و در تعریف و ارزشیابی آن تجدید نظر و اصلاح بعمل آورند . معلمان و مربیان باید درباره استعداد و احساس بچه ها نسبت به خودشان اطلاعات صحیحی

پستی ، سنگری ، زشتی و حماقت خود نمائی می کند و ممکن است ناشی از ضعف و ناتوانی در برابر مسائل ، تنفر از افراد ، و تنفر از خود باشد . داشتن چنین احساسهایی ممکن است فرد را بسوی داروهای مخدر ، بزهکاریها ، و طغیانهای بر علیه محدودیتها یا قدرتهای اجتماعی بازدارند و غیره سوق دهد .

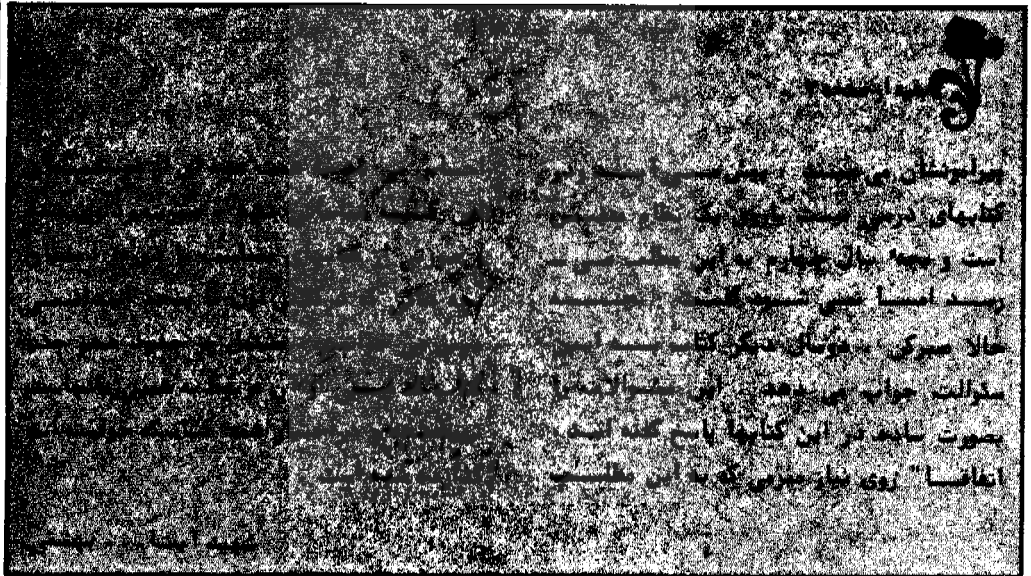
دو نالیدیزاسه عامل را در تشکیل خود پنداری منفی کودک مؤثر و اساسی می دانند .
 ۱ - محافظت بیش از حد از کودک ۲ - زیر سلطه قرار دادن کودک ۳ - بی اعتنائی نسبت به شخصیت کودک . افراد یکه دارای حس خود پنداری مثبت هستند در خود احساس کفایت ارزش و شایستگی ، توانایی و احترام ، اطمینان و اعتماد می کنند ، از اینرو این افراد باید راهنمایی شوند تا حقایق را نسبت به خود و دیگران کشف کنند برعکس افرادی (یا کودکانی) که با حس خود پنداری منفی وارد مدرسه می شوند ناراحتیها و مشقات زیادی را متحمل می شوند معلمان باید آگاه باشند که هرگونه خطا یا ناسازگاری که از شاگردان سر می زند معلول یکی از دو علت زیر خواهد بود :

۱ - آنان تلاش می کنند از افرادی که ضرباتی به حس خود پنداری یا هویت انسانیشان وارد کرده انتقام بگیرند و چنین عملی معمولاً "متوجه مسئولین امر می شود ۲ - می خواهند محبت از دست رفته خود را با جلب توجه دیگران و مهم جلوه دادن خود جبران نمایند . بدون شک اکثر معلمان آگاهند که رفتار ایدائی دانش آموزان در کلاس بخاطر جلب توجه می باشد اما غالباً " آنان (معلمان) بجای بررسی علتها که

تعیین شده. بچه ها برای افزایش حساسیت و ادراکات خود از سایر خود پنداری ها نیاز به فرصت دارند. پیشرفت آنان درازبینی بردن شکاف آنچه که هستند و آنچه که می خواهند بشوند، مهمترین جنبه رشد فردی و وسیله ای برای افزایش سازگاری آنها با دنیای واقعی می باشد. فراهم ساختن زمینه چنین برنامه های تربیتی، مدارس را قادر خواهد ساخت تا رسالت خود را در رابطه با تفاوت های فردی کودکان به اجرا درآورند.

بدست آورند و متوجه باشند که هرگونه رفتار قضاوت و شیوه عمل آنان ممکن است در تقویت یا تضعیف حس خود پنداری کودکان مؤثر باشد. مدارس ما باید فرصتهائی بوجود آورند که بچه ها قادر باشند با استفاده از تجارب معنی داری نسبت به تقویت حس خود پنداری مثبت و "مالا" برای زندگی بهتر و موثرتری آماده شوند. آموزش و پرورش ما باید تسهیلاتی بوجود آورد که آموزنده (دانش آموز) خود را در رابطه با تجارب خود ببیند نه تطبیق آنان با رفتارهای کلیشه ای و استاندارد از پیش

ترجمه و تلخیص از: دکتر قربانعلی سلیمی



یاری بفرزند در کارهای درسی یک فن عمومی دارد و آن این است که پدر و مادر به جای بچه درس نخوانند و تکلیف درسی ننویسند بلکه به او کمک کنند تا خودش این کار را انجام دهد.